

## نگاه تحلیلی

محمد خواجهویی مدیر گروه لبنان پژوهشگاه مطالعات استراتژیک خاور میانه در گفت و گو با هم میهن:

# جامعه لبنان از رویکردهای رادیکال استقبال نمی کند

محمد خواجهویی، مدیر گروه لبنان پژوهشگاه مطالعات استراتژیک خاور میانه در گفت و گو با هم میهن گفت: «حزب الله، اصلی ترین و قوی ترین قدرت عملیاتی در محور مقاومت است به این معنا که آن میزان قدرت عملیاتی که حزب الله لبنان می تواند داشته باشد و تا امروز داشته، حتی مؤثرتر از قدرت عملیاتی ایران است.» این تحلیلگر مسائل لبنان تاکید کرد: «جنگ ۶ ماهه اخیر منجر به ترمیم و جهه حزب الله در طایفه سنی لبنان و منجر به این امر شد که فضای اهل سنت در این کشور بسیار به گفتمان گروه های مقاومت نزدیک شود.» خواجهویی در خصوص ناآرامی های داخلی لبنان نیز افزود: «جامعه لبنان در شرایط کنونی از رویکردهای رادیکال استقبال نمی کند و به همین خاطر نیز این رویکردها چه علیه حزب الله و چه پناهنجویان سوری در برهه های مختلف مورد حمایت حتی در طایفه مسیحی این کشور قرار نمی گیرد.»

پیش از ۶ ماه است که حزب الله لبنان متعاقب عملیات طوفان الاقصی و پس از آن واکنش اسرائیل وارد تبادل آتش گسترده با اسرائیل شده است و این مسئله هر روز ابعاد تازه تر و گسترده تر نیز به خود گرفته است؛ این در حالی است که لبنان در سال های اخیر و پس از بحران اقتصادی و پس از آن ورود به خلا انتخاب رئیس جمهور، بار دیگر رویارویی های داخلی را نیز تجربه کرده است؛ در این شرایط اگر مروری بر میدان عملیاتی در جنوب لبنان داشته باشیم، حزب الله چگونه این مسئله را در صحنه نبرد مدیریت کرده است؟

حزب الله وقتی از فردی عملیات ۷ اکتبر، وارد تبادل آتش با اسرائیل شد، در یک شرایط دوگانه ای قرار داشت: به این معنا که هم نمی توانست نسبت به تحولات فلسطین بی تفاوت باشد و هم نسبت به آنچه حماس صورت داده و واکنش اسرائیل بی تفاوت باشد، چرا که در هر حال خودش را بخشی از محور مقاومت و هم مرتبط با تحولات فلسطین می داند، در این راستا نیز وارد نوعی تقابل و تبادل آتش با اسرائیل شد؛ از طرف دیگر اما با توجه به اینکه حزب الله بویژه در دهه اخیر، از طریق افزایش قدرت نظامی خود، به یک نوع وضعیت بازآرندگی برای لبنان رسیده بود، تمایلی نداشت که قمارگونه رفتار کرده و وارد یک عملیات محاسبه شده شود که در نهایت منجر به ورود لبنان به یک جنگ فراگیر شود و قدرت بازآرندگی این خودش شود. این وضعیت دوگانه و محتاطانه را حزب الله طی ۶ ماه اخیر حفظ کرده؛ با این قید که البته هر چه گذشت به دلیل ابعاد جنگ در غزه گسترده شد و اقتصادات میدان جنگ، موجب شد که این تبادل آتش، روزه روز گسترده تر شود، به این معنا که هم محدوده درگیری های مرزی که از حدود دو تا سه کیلومتر در روزهای ابتدایی از هر دو طرف آغاز شد و به هفت تا هشت کیلومتر و بلکه بیشتر رسید و هم جنس حملات و شدت حملات هر دو طرف افزایش پیدا کرد. این مسئله موجب شد که این عملیات تبادل آتش که از ابتدا محتاطانه بود، یک روند صعودی داشته باشد، در عین حال اما منجر به یک جنگ فراگیر نشود. از حدود تقریباً دو ماه قبل یعنی ماه چهارم جنگ، در زمانی که اسرائیل به سمت این راهبرد حرکت کرد تا قدرت بازآرندگی خود در مرزهای شمالی را احیا کند، حملات علیه حزب الله را بیشتر کرد تا حزب الله در وضعیت بسیار دشواری قرار بگیرد؛ در این شرایط اسرائیل حملات خود را به شدت گسترش داد و در عین حال دست به تئورهای هدفمند خارج از میدان درگیری و در شهرهای بیروت، بعلبک و صیدا زد و در عین حال حزب الله هم که نمی خواست وارد جنگ شود، در نوع پاسخش محتاط بود. زرمه هایی مطرح شده بود که اسرائیل به فکر جنگی گسترده با لبنان است، اما به باور من اسرائیل هم به این دلیل که نگران بود یک جنگ گسترده منجر به ضربات زیادی شود، به همین اقدامات بسنده کرد و وارد عملیات های گسترده نشد و بیشتر هدف اسرائیل این بود که بتواند شرایط را به قبل برگرداند تا آن ۸۰-۷۰ هزار نفری که از شمال اسرائیل کوچ کرده بودند، به منازل شان برگردند و به عنوان یک دولت، وجهه خود را احیا کند.

پس از حمله اسرائیل به کنسولگری ایران و تهدید تهران به واکنش و به خصوص پس از بیانیه وسترنی رهبر انقلاب، بسیاری بر این باور بودند که حزب الله لبنان قطعاً بخشی از این واکنش و پاسخ جمهوری اسلامی ایران باشد و این شرایط همان بزنگاهی است که حزب الله به صورت مستقیم برای تهران وارد میدان خواهد شد اما در نهایت شاهد بودیم که ایران وارد عمل شد و حزب الله نیز بیش از آنچه در ۶ ماه اخیر صورت داده بود، مشارکت نکرد. ارزیابی شما از این رویکرد چه بود؟

حزب الله، اصلی ترین و قوی ترین قدرت عملیاتی در محور مقاومت است به این معنا که آن میزان قدرت عملیاتی که حزب الله لبنان می تواند داشته باشد و تا امروز داشته، حتی مؤثرتر از قدرت عملیاتی ایران است که جنبه بازآرندگی دارد. این مسئله را درک می کند که در تحولات منطقه، فضا به سمتی نرود که حزب الله به راحتی در شرایطی قرار بگیرد که منجر به آسیب جدی به این گروه شود. به همین علت نیز در ماه های اخیر دیدیم که ایران از بازآرندن جبهه گسترده در جنوب لبنان توسط حزب الله استقبال نکرده است چرا که نگران است این گروه آسیب جدی ببیند. به اعتقاد من در شرایط کنونی که برخی پیش بینی می کردند حزب الله حجم حملات خود را به اسرائیل افزایش دهد، من چنین پیش بینی ای را نداشتم؛ به این جهت که حزب الله آخرین برگ برنده ای است که ایران در شرایطی که بقایش به خطر بیفتد، می تواند از آن استفاده کند.

قدرت موشکی امروز حزب الله، از نظر اینکه هم موشک های نقطه زن دارد و هم به جهت مجاورت جغرافیایی با اسرائیل از نظر تأثیر عملیاتی روی زمین، از قدرت موشکی ایران هم بالاتر است، ایران ترجیح می دهد این برگ برنده مهم را در این شرایط ریزد.

با توجه به شرایط داخلی لبنان، شاهد موضعی از سوی برخی چهره های شاخص سیاسی و برپایی کمیپن های تبلیغاتی علیه موضوع جنگ و مشخصاً نقش آفرینی حزب الله هستیم؛ آیا افکار عمومی در لبنان نیز با این کمیپن ها همراه است؟

در ابتدا وقتی حزب الله وارد تبادل آتش شد و هنوز اسرائیل دست به عملیات های گسترده در غزه نزنده بود، انتقادات نسبت به این اقدام زیاد بود که چرا

حزب الله وارد درگیری شد و بهتر بود نوعی خویشتن داری را در پیش می گرفت تا لبنان وارد یک جنگ نشود. با این حال هر چه زمان گذشت و اسرائیل عملیات گسترده ای را در غزه صورت داد و آن حجم از کشتار صورت گرفت، حمایت ها در لبنان نسبت به حزب الله افزایش پیدا کرد به این معنا که وقتی مشاهده شد اسرائیل چگونه مردم غزه را قتل عام می کند، بسیاری از مردم لبنان به این نتیجه رسیدند که خوب است که آمادگی خودمان و قدرت بازآرندگی خودمان را به اسرائیل نشان دهیم تا این رژیم تصور نکند، می تواند همین کشتار را در لبنان انجام دهد. در نتیجه به مرور که این جنایات های اسرائیل انجام شد، حمایت ها از حزب الله نیز افزایش پیدا کرد، بویژه ما این حمایت را علاوه بر طایفه شیعه که بدنه حامی اصلی حزب الله است، در طایفه سنی لبنان هم دیدیم که یکی از اتفاقات بسیار قابل توجه است چرا که نشان می دهد جنگ ۶ ماهه اخیر منجر به ترمیم و جهه حزب الله در طایفه سنی لبنان شد به این علت که می دانیم حضور حزب الله در جنگ سوریه، به چهره حزب الله در طایفه سنی آسیب زده بود اما حالا با توجه به اینکه طایفه سنی، بیشتر از سایر طوایف در لبنان به مسئله فلسطین حساس است، اقدام حزب الله در تقابل با اسرائیل، با حمایت و پشتیبانی بی سابقه طایفه سنی همراه شد و ما این حمایت را در بدنه جامعه دیدیم و منجر به این امر شد که فضای اهل سنت در این کشور بسیار به گفتمان گروه های مقاومت نزدیک شود.

آن چیزی که در واقع بیشتر محل چالش برای حزب الله بود و تا حال نیز ادامه دارد، مواضع طایفه مسیحی در لبنان است که از قدیم چندان رابطه خوبی با فلسطینی ها نداشتند و از زمانی که فلسطینی ها بعد از کوچ اجباری وارد لبنان شدند، این تقابل گروه های فلسطینی با طایفه راست مسیحی آغاز می شود تا جایی که در سال ۱۹۷۵، اساساً جنگ داخلی در لبنان بر اساس نزاع همین دو گروه شکل گرفت. به این معنا که نگاه نسبتاً منفی که بین بخشی از طایفه مسیحی نسبت به فلسطینی ها وجود داشته تا الان هم تداوم پیدا کرده و امروز اگر به معنای تقابل نباشد که بگویند باید فلسطینی ها را اخراج کنیم، اما به شکل نوعی ملی گرایی منفی و سلبی بروز کرده است؛ برای مثال ادبیاتی که حزب قوات درباره تحولات فلسطین مطرح می کند، اینگونه است که اساساً تحولات فلسطین ربطی به لبنان ندارد و برای ما، لبنان مهم است و ما باید یک نگاه ملی داشته باشیم و نباید خودمان را با تحولات فلسطین پیوند بزنیم. این موضوع به دلیل اینکه یکسری تقابلات بین جریان راست مسیحی و حزب الله از نظر سیاسی وجود داشت، طی ماه های اخیر این مسئله تشدید شد و به نظر من حتی باعث شد بخش هایی از مسیحیان که موضع تقابلی با فلسطینی ها نداشتند، آن ها هم کم کم ادبیات شان به سمت جریان ملی گرایی حرکت کند و تبلیغ کنند که لبنان از تنش در فلسطین دور شود. با این حال به باور من این چالش جدی نیست و به مرور هر چه زمان گذشته، بدنه جامعه لبنان، حمایتش نسبت به حزب الله در مجموع افزایش پیدا کرده است.

به مواضع و دیدگاه طایفه مسیحی و مارونی های لبنان اشاره کردید؛ در ماه های اخیر یکی از موضوعات قابل توجه در فضای سیاسی، چرخش محسوسی است که در مواضع جبران باسیل و جریان ملی آزاد شاهد هستیم، چه مؤلفه هایی موجب این تغییر در ادبیات حزب معتدل مارونی شده است؟

مهمترین دلیل این چرخش این است که حزب قوات تلاش کرده تا خودش را به عنوان اصلی ترین حامی مسیحیت و مسیحیان در لبنان نشان دهد و قربانی که حزب جبران ملی آزاد طی سال های اخیر با حزب الله داشته، باعث شد بخشی از مسیحیان، این حزب را به جاده صاف کنی طایفه شیعه متهم کنند که منافع مسیحیان را نادیده می گیرند و موجب شدند تا طایفه مسیحیان قدرت را از دست بدهد. این ادبیاتی که اخیراً که جریان ملی آزاد آن را دنبال می کند و خودش را چه در سیاست داخلی و چه منطقه ای تا حدودی از حزب الله جدا می کند، به دلیل سایه سنگین جریان راست مسیحی است که تلاش می کند خود را به عنوان نماینده اصلی مسیحیان معرفی کند. به نوعی جریان ملی آزاد از طریق اتخاذ مواضع متفاوت می خواهد جایگاه خودش را حفظ کرده و به بُعد مسیحیت و استقلال نظر خودش تاکید بیشتری کند تا بدنه حامی اش را حفظ کند و اجازه ندهد قوات به پرچم دار اصلی منافع مسیحیان تبدیل شود. این مسئله کاملاً ریشه در رقابت های درونی مسیحیان دارد.

با توجه به جمیع شرایطی که شما تصویر کردید، تحولات روزهای گذشته به خصوص پس از کشته شدن یاسکال سلیمان و تحکرات رادیکال طرفداران حزب قوات، تا چه میزان می تواند به چالش حزب الله بدل شده و ابعاد گسترده تری به خود بگیرد؟

از نظر من حزب قوات از شرایط کنونی استفاده می کند تا بتواند نوعی دو قطبی را در فضای داخلی لبنان احیا کند و این رویکرد را تبلیغ کند که مشکلات اصلی لبنان به دلیل این بوده که ما به کشورمان توجه نمی کنیم و از ملی گرایی دور می شویم. لازمه این مسئله رفتن به سمت رویکردهای تقابلی و سلبی است و این مسئله را هم در خصوص موضع قوات در قبال تحولات فلسطین می بینیم که تاکید به نوعی بی عملی و سکوت می کند و هم در جبهه داخلی لبنان در قبال پناهنجویان سوری شاهد هستیم که یکی از مهمترین چالش های لبنان با قریب به دو میلیون جمعیت است که استمرار بحران در سوریه و نبود چشم انداز روشن، موجب شده تا به کشور خودشان بازنگردند. حال به این دلیل که جریان قوات خودش را پرچم دار منافع مسیحیت می داند، استمرار حضور پناهنجویان سوری که توازن جمعیتی را به ضرر مسیحیان تغییر داده، باعث شده این ها به سمت رویکردهای سلبی حرکت کنند. با این حال به باور من این نوع ادبیات یعنی این شکل از سیاست توری حزب قوات که دانما به دنبال رویکرد تقابلی است، از طرف بدنه جامعه لبنان مورد حمایت قرار نمی گیرد. من این طور استنباط می کنم که جامعه لبنان در شرایط کنونی از رویکردهای رادیکال استقبال نمی کند و به همین خاطر نیز این رویکردها چه علیه حزب الله و چه پناهنجویان سوری در برهه های مختلف مورد حمایت حتی طایفه مسیحی

این کشور قرار نمی گیرد. لبنان تجربه تلخ جنگ داخلی را داشته و سایه آن تجربه همیشه بر فضای سیاسی لبنان سنگین است.



## دیپلمات ها



### خروج ترامپ از برجام عامل شرایط امروز منطقه است

هماهنگ کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید در گفت و گویی در توضیح انتقادات از عملکرد دولت بایدن در قبال ایران، از آن دفاع کرده و دولت پیشین آمریکا را مسبب تحولات رخ داده در ارتباط با ایران دانست. به گزارش ایسنا، جان کری در پاسخ به سؤالی درباره اینکه آیا دولت بایدن می توانست رویکرد سختگیرانه تری در قبال ایران داشته باشد؟ گفت: «سخت است کارهایی را که بایدن در قبال ایران انجام داد، مشاهده کرد و آنها را آسان گیرانه توصیف کرد.» کری بیان کرد: «این دولت پیشین بود که تصمیم گرفت از برجام خارج شود. حالا، ایران به طرز قابل توجهی و بیش از زمان انتخاب شدن ترامپ به توانمندی هسته ای احتمالی نزدیک شده است.» کری گفت: «پول های بیشتری که در پی معافیت از تحریم ها در دسترس ایران قرار گرفت که دولت ترامپ اعمال کرده بود، تنها برای مصارف بشردوستانه قابل استفاده است.»



### رابطه هم زمان با تهران و واشنگتن برای عراق امتیاز است

محمد شیباع السوداني، نخست وزیر عراق که به واشنگتن سفر کرده است در اظهاراتی در حاشیه این سفر گفت: سفرم به آمریکا مهم است زیرا در راستای بیان رویکردمان در مورد نوع روابط با واشنگتن است. به نقل از خبرگزاری رسمی عراق (واع)، وی خاطر نشان کرد: «عراق امروز با عراق ۲۰۱۴ تفاوت های زیادی کرده است زیرا گروهک تروریستی داعش دیگر خطری برای ما به شمار نمی رود. بعد از پیروزی بر داعش ما خواهان انتقال به مرحله دیپلماتیک با کشورهای ائتلاف بین المللی هستیم؛ روابطی همانند روابط با کشورهای منطقه از جمله روابط امنیتی.» وی در بخش دیگری از اظهارات خود تاکید کرد: «ایران همسایه ای ما است و اشتراکات زیادی با آن داریم، آمریکا نیز هم پیمان راهبردی ما است و روابط با این کشور برای ما مهم است. داشتن روابط با ایران و آمریکا به طور هم زمان امتیازی برای عراق است و می توان از آن در راستای کاهش تنش استفاده کرد و این چیزی است که در تمام بحران های منطقه رخ داد.»



### اسرائیل جرقه تنش را زد

ایمن الصفدی، وزیر امور خارجه اردن، یکشنبه شب گفت: «مشکل اصلی، جلوگیری از افزایش تنش در منطقه است که بار و مسئولیت این مسئله بر دوش اسرائیل قرار دارد.» الصفدی افزود: «جرقه تنش بین جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی با حمله اسرائیل به کنسولگری تهران در دمشق زده شد.» وی ادامه داد: «ما از آغاز جنگ علیه غزه، نسبت به تنش هشدار داده بودیم. همه به دنبال کاهش تنش هستند و می دانند که تنها راه این مسئله، توقف جنگ اسرائیل علیه غزه است.» الصفدی افزود: «ما با هر پهلای یا موشکی چه ایرانی باشد چه اسرائیلی و حریم هوایی ما را نقض کند، مقابله خواهیم کرد.» وی گفت: «باور نتانیاهاو حذف فلسطینی هاست و تلاش می کند که با به راه انداختن جنگ با ایران، حوادث جاری در غزه را منحرف کند.»